

امام علی علیه السلام :  
خوابی که همراه یقین باشد  
بهتر از نمازی است  
که همراه شک باشد.

میزان الحکمه ج ۱۳ ص ۵۷۷



## کشته نهروان؛ کسی که نماز شبش ترک نشد!

در هر حال موضع امام در برابر فریب ها و فتنه گری ها روشن است امام در برابر مدعیان پرهیزکاری و اسلام نیز می ایستاد امام در برابر خوارج که خود و خواست خود را بر اسلام تحمیل می کردند و به اسلام از زاویه مصالح و خواسته هایشان نگاه می کردند ایستاد و با آنان جنگید. شخصی درباره خویصره که در جنگ نهروان کشته شد و معروف است که نماز شب او ترک نشد! گفته است در یکی از خیابان های کوفه راه می رفتم که از خانه ای صدای گریه شنیدم. گفتم سبحان الله این مرد چقدر سعادت مند است! امام به من فرمود: معیار سعادت مندی این نیست. سرانجام این مرد می گوید... (متن روایت را به یاد ندارم) باز گشتم و خویصره را دیدم که نماز شب می خواند. آنان نماز شب می خواندند به احکام اسلام پایبند بودند، نمازشان ترک نمی شد ولی خود را می پرستیدند. اگر نماز عبادت نفس باشد اگر نماز برای جلب احترام دیگران باشد یا از روی ترس یا طمع در مال یا مقام یا برای رسیدن به اهداف مادی، چنین نمازی نه تنها ما را به خدا نزدیک نمی کند که از او دور می کند. از این رو بود که در نهروان به روی امام شمشیر کشیدند و او را کافر شمرند و از او خواستند توبه کند. گفتند ای علی تو کافر شده ای. همچنان که درباره او گفتند که او شوخ طبع است ...

برشی از کتاب انسان آسمان؛ جستارهایی درباره امیرالمؤمنین (ع) در اندیشه امام موسی صدر

## امام جماعت مست؛ نهی تدریجی شراب در اسلام!

... برای نمونه اسلام خمر را حرام می داند ولی آن را یک باره و در یک لحظه حرام اعلام نکرده است. می توانست حرمت آن را در یک لحظه اعلام کند ولی از آنجا که شراب خواری برای مردم عادت شد بود؛ جلوگیری از آن، کسانی را که با آن معتاد شده بودند دچار مشکل می کرد. برای آنکه مردم بتوانند این عادت را ترک کنند. باید راهنمایی و تربیت می شدند. از این رو می بینیم اسلام خمر را در مکه حرام نکرد. پس از هجرت پیامبر به مدینه نیز تا دو سال حرمت خمر اعلام نشد. اسلام آن را مباح نشمرد ولی حکم حرمت آن نیز اعلام نشد تا اینکه حادثه ای رخ داد.

خلاصه آن حادثه این است که برخی از بزرگان صحابه خانه عتبان بن مالک بودند و شراب خوردند و مست شدند. در آن حال درگیری شدیدی میان آنان به وجود آمد. از آنجا که این درگیری میان رؤسای قبایل بود، افراد هر قبیله به سرعت برای طرفداری و حمایت از رئیس خود صف کشیدند و بدین ترتیب زمینه برای فتنه فراهم شد در حالی که پایه های امت اسلام هنوز ضعیف بود. از این رو، مردم از این واقعه که نزدیک بود فتنه اوس و خزرجی و درگیری های قبیله ای را زنده کند بسیار ناراحت شدند. این

## آنچه در نماز به خدا ابراز می کنیم!

آنچه انسان در عبادت [و نماز] خود ابراز می دارد چند چیز است:

یک: ثنا و ستایش خدا به اوصافی که مخصوص خداست؛ یعنی اوصافی که مفهومش کمال مطلق است، مثل علم مطلق، قدرت مطلقه، اراده مطلقه. معنی کمال مطلق و علم مطلق و قدرت و اراده مطلقه این است که محدود و مشروط به چیزی نیست و مستلزم بی نیازی خداوند است. [مثل ذکر الحمدلله که در نماز تکرار می شود].

دو: سپاس و شکر خدا به عنوان منشأ اصلی خیرها و نعمت ها و این که نعمت



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ  
وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ  
الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید!  
شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است،  
از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

سوره مائده آیه ۹۰

از این رو، دل ها آماده قبول حکم حرمت شراب شد و نخستین آیه برای تحریم خمر نازل شد: **إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ**

[آیه ۹۱ سوره مبارکه مائده]

این آیه تنها بیانگر سرزنش و نکوهش خداوند بود و مردم تا یک ماه دو ماه یا بیشتر درباره حکم خمر سؤال می کردند. در مرحله دوم این آیه نازل شد: **«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ نَّفْعِهِمَا.»** (آیه ۲۱۹ سوره مبارکه بقره)

حادثه دیگری رخ داد یکی

های ما همه و همه از اوست و غیر او وسیله هایی است که او قرار داده است. [مثل ذکر شکرالله در سجده شکر. ذکر الحمدلله که در نماز زیاد تکرار می شود هم به معنای ستایش است و هم معنای سپاس]

سه: تسبیح و تنزیه خدا از هرگونه نقص و کاستی از قبیل فنا، محدودیت، نادانی، ناتوانی، بخل، ستم و امثال این ها. [مثل عبارت سبحان الله] چهار: ابراز تسلیم محض و اطاعت محض در برابر او و اقرار به این که او بلاشرط مطاع است و استحقاق اطاعت و تسلیم دارد. او از آن جهت که خداست شایسته فرمان دادن است و ما از آن جهت که بنده هستیم شایسته اطاعت و تسلیم در برابر او. [مثل آیه ایباک نعبد و ایباک نستعین] پنج: او در هیچ یک از مسائل بالا شریک ندارد. جز او کامل مطلق نیست؛ جز او هیچ ذاتی منزّه از نقص نیست؛ جز او کسی منشأ اصلی نعمت ها که همه سپاس ها به او برگردد نیست؛! جز او هیچ موجودی استحقاق تسلیم محض در برابر او شدن را ندارد. هر اطاعتی مانند اطاعت پیامبر و امام و حاکم شرعی اسلامی و پدر و مادر یا معلم باید به اطاعت از او و رضای او منتهی شود و گرنه جایز نیست. [مثل آیه ولم یکن له کفو احد] گلچین کتاب طهارت روح، عبادت و نماز در آثار شهید مطهری رضوان الله علیه؛ حسین واعظی نژاد ص ۲۳

از اصحاب در حال مستی امام جماعت شد و در نماز سوره کافرون را خواند در این سوره خطاب به کافران آمده است: **لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ. وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ. وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ. لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ** «ولی او (لا) را حذف کرد و این گونه خواند **عَبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ. وَأَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ** یعنی من چیزی را که شما می پرستید می پرستم و شما نیز چیزی را که من می پرستم می پرستید. در پی این واقعه نیز ناراحتی شدیدی پیش آمد و سومین آیه نازل شد **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»** این آیه مردم را از نوشیدن شراب پیش از نماز نهی می کند؛ یعنی پنج بار در روز تا اینکه در سال ششم هجری آیه تحریم نازل شد: **«إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»** و بدین ترتیب می بینیم هر حکمی در اسلام به تدریج بیان می شود تا مردم را قانع و دل ها را تربیت کند این شیوه در سرتاسر دعوت پیامبر به چشم می خورد و به همین سبب بود که قرآن به تدریج در طول ۲۳ سال نازل شد.

برشی از کتاب انسان آسمان؛ جستارهایی درباره امیرالمؤمنین (ع) در اندیشه امام موسی صدر

## تمام زندگی برایش حالت نماز خواندن داشت!

## دستگاه بی سیم الهی! (نماز شهید رجایی)

از مرحوم شهید رجایی نقل شده که ایشان یکبار در حین پرسش و پاسخ مسؤولان، با شنیدن اذان ظهر، خطاب به حضار و جمع گفت: اگر خبر داده باشند برای مدت بیست



دقیقه ضرورت دارد ارتباط تلفنی با مرکزی برقرار کنم، آیا اجازه هست که همین جا صحبت را متوقف و ادامه آن را به بعد از تلفن موکول کنیم؟ حاضران که از پیشنهاد غیرمنتظره شهید رجایی غافل گیر و شگفت زده شده بودند، گفتند: اختیار دارید. بله قربان! او گفت: هم اکنون دستگاه بیسیم الهی (اذان) خبر از انجام فریضه ظهر داده است. ما فعلاً وظیفه داریم با اقامه نماز، این ارتباط را برقرار کنیم. سپس بدون تکلف، لحظه ای بعد در برابر نگاه ناباورانه حضار، با جمعی به نماز ایستاد و این تکلیف الهی را سر وقت انجام داد. این رفتار شهید رجایی در تاریخ بشریت ثبت شد و گواه این است که این فرد در عمق باورهای خود با نماز مانوس بود و جایگاه آن را بسیار رفیع و ارزشمند و انسان ساز می دانست.

منبع: سایت تخصصی نماز

## هیأت دولتی که صبح جمعه تشکیل می شد! (نماز جمعه)

اصولاً باید بگوییم که ما جمعه صبح هم به هیأت دولت می رفتیم و تا ساعت ۱۰:۳۰ صبح کار می کردیم و بعد دسته جمعی به نماز جمعه می رفتیم. هرکدام هم برای خودمان یک خانماز داشتیم. یک روز شهید رجایی گفت که من می خواهم ثواب این کار را ببرم و شما را به خانماز مهمان کنم. یک



همانطور که همه اطلاع دارند خیلی اهمیت به نماز اول وقت می دادند. در این مورد به خانواده تذکر می دادند. ولی اصولاً رفتارشان همیشه توأم با مهربانی زیاد بود و در موارد جزئی تر هم هیچ وقت هیچ نوع اعمال فشاری نبود یعنی شرایط را به گونه ای فراهم می کردند که تغییرات مورد نظرشان در خانه اتفاق بیفتد. نماز شبشان تقریباً در هیچ شرایطی ترک نمی شد ولی ایشان از این روح عبادات را دریافت می کردند. یعنی حقیقت این عبادات در اعمالشان متجلی می شد. ممکن بود نمازشان از نظر زمانی زیاد طول نکشد ولی دریافتی که از این عبادت می کردند خیلی زیاد بود چون عبادت کاری نبود که از سرعادت انجام بدهند، با تمام روح و قلب پیش خداوند حاضر می شدند. مورد دیگر اینکه ایشان همیشه با وضو بودند. احساس می کردم که زندگی ایشان سراسر جلوه عشق بود و وضو گرفتن ایشان هم شاید یک معنی اش این بود که یعنی همیشه خودشان در حضور خداوند احساس می کردند و شاید تمام زندگی برایشان حالت نماز خواندن داشت.

نماز و عبادت شهید آوینی؛ سایت تخصصی نماز

فرش بزرگ دارم و آن را می آورم، همه ما در آن جا می شویم. ما خوشحال شدیم و گفتیم که در این صورت ما فقط مهران را برمی داریم و می آییم.

دکتر شیبانی هم معمولاً از یک سنگ به جای مهر استفاده می کرد. آن روز ما خوشحال بودیم، چرا که می گفتیم: امروز مهمان آقای رجایی هستیم و او ما را به فرش نماز جمعه مهمان کرده است. ما معمولاً در خیابان قدس و ضلع شرقی دانشگاه می نشستیم و جای مشخصی را انتخاب کرده بودیم، چرا که وقتی نماز جمعه می آمدیم، جاهای دیگر پر شده بود. آقای رجایی فرش را که آورد، دیدیم یک گلیم کهنه و سوراخ بود که تمام پشم آن ریخته بود. این مسأله اسباب خنده دوستان شده بود که ما را به عجب فرشی مهمان کرده اید! شهید رجایی در پاسخ گفت که همین فرش را داشتیم. بالاخره فرش را پهن کردیم و در دو ردیف نشستیم.

(راوی: موسی زرگر)



شهید رجایی در نماز جمعه دانشگاه تهران

